

# چرا بگوئیم امام...؟

تالیف، گردآوری و تدوین: عباس داودی

اشاره:

مقدمه

## مطلب دوم

پنج کلید واژه امام خمینی (ره)  
چرا رسانه‌های غربی نمی‌گویند امام خمینی؟  
بر سر یک کلمه‌ی امام!!!  
طرح جایگزین غربی‌ها  
اساس انقلاب ما  
دو جمله در مخالفت با امام خمینی (ره)  
جمله اول  
جمله‌ی دوم  
مقابله با دیگر گفتمان‌های امام (ره)  
وظیف ما  
ما شروع کنیم

## مطلب اول

معنی امام  
استفاده‌های قرآن از لفظ امام  
۱- راه  
۲- کتاب  
۳- پیشوا  
(الف) (پیشوایان ضلالت)  
(ب) (پیشوایان هدایت)  
(ج) (امام مطلق)  
دعای بندگان خاص خدا  
فرمایشی از امام خامنه‌ای ...

# چرا بگویم امام...؟

اشاره:

آنچه در پی می‌خوانید مطلبی است برای تبیین کلمه امام و لزوم اطلاق این کلمه بر مقام عظمای ولایت و رهبر انقلاب؛ که در دو بخش تنظیم شده است.  
در مطلب اول به بررسی کلمه «امام» به صورت کلی پرداخته و مطلب دوم گزیده‌ای ویرایش شده از سخنرانی دکتر «محمد رامین» است که در بسیاری از سایت‌ها منتشر شده است.

مقدمه

در سه اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است که رهبری جامعه «امام» جامعه می‌باشد. حال این رهبر هر کس که باشد این عنوان بر وی اطلاق خواهد شد. زیرا هیچ قیدی در این خصوص در قانون اساسی به میان نیامده است.  
این اصول عبارتند از:

اصل دوم - جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به: ۱- ... ۲- ... ۳- ... ۴- ...  
۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

اصل پنجم - در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم - قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

حال جای تعجب است که پس از رحلت حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، این لفظ برای خلف صالح ایشان حضرت امام خامنه‌ای به کار نرفت. به نظر می‌رسد این موضوع مسئله‌ای بود که عده‌ای آگاهانه و برخی از روی غفلت آن را به فراموشی سپردند. و موضوع امام و امت را به رهبر و ملت تغییر دادند.

این مقاله - هر چند بسیار دیر - بنا دارد تا این موضوع را واکاوی نموده و مورد بررسی قرار دهد.

## مطلب اول

در زمان حیات پر برکت حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نیز عده‌ای افراد کم اطلاع این شبهه را مطرح می‌نمودند که کلمه «امام» فقط باید برای ائمه معصومین به کار برده شود، در حالی که این کلمه معانی وسیعی دارد و خداوند در قرآن در معانی بسیار مختلفی از آن استفاده کرده است.

### معنی امام

راغب گوید: امام آن است که از وی پیروی و به وی اقتدا شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل.

در قاموس گفته، امام آن است که از وی پیروی شود رئیس باشد یا غیر آن، ریسمانی که بنا به دیوار می‌کشد تا راست بنا کند، راه، متوالی امر، قرآن، پیغمبر، خلیفه، فرمانده لشکر، و آن چه بچه هر روز یاد می‌گیرد، و نمونه‌ای که از روی آن نظیر آن را می‌سازند و...

ناگفته نماند معنی جامع، همان مقتدا بودن است، ریسمانی که بنا از آن پیروی می‌کند و طبق آن بنا می‌کند، راهی که انسان در امتداد آن قدم بر می‌دارد، کتابی که می‌خواند همه امام و پیشوا و مقتدایند که جمع آن می‌شود «ائمه»<sup>۱</sup>.

### استفاده‌های قرآن از لفظ امام

#### ۱- راه

در آیه « فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَانَّهُمَا لِيَامَامٍ مُّبِينٍ - ما از آن‌ها انتقام گرفتیم و (شهرهای ویران شده) این دو [قوم لوط و اصحاب الایکه] بر سر راه (شما در سفرهای شام)، آشکار است.» (حجر/۷۹) امام به معنی راه است.<sup>۲</sup>

#### ۲- کتاب

الف) « إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتِي وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکار کننده‌ای برشمرده‌ایم.» (یس/۱۲)

غالب مفسران "امام مبین" را در این جا به عنوان "لوح محفوظ" همان کتابی که همه اعمال و همه موجودات و حوادث این جهان در آن ثبت و محفوظ است تفسیر کرده‌اند.

و تعبیر به "امام" ممکن است از این نظر باشد که این کتاب در قیامت رهبر و پیشوا است برای همه ماموران ثواب و عقاب و معیاری است برای سنجش ارزش اعمال انسان‌ها و پاداش و کیفر آن‌ها.<sup>۳</sup>

منظور از "امام مبین"<sup>۴</sup> لوح محفوظ است، لوحی که از دگرگون شدن و تغییر پیدا کردن محفوظ است، و مشتمل است بر تمامی جزئیاتی که خدای سبحان قضایش را در خلق رانده، در نتیجه آمار همه چیز در آن هست، و این کتاب در کلام خدای تعالی با اسم‌های مختلفی نامیده شده لوح محفوظ، ام‌الکتاب، کتاب مبین، و امام مبین، که در هر یک از این اسمای چهارگانه عنایتی مخصوص هست. و شاید عنایت در نامیدن آن به امام مبین، به خاطر این باشد که بر قضا‌های حتمی خدا مشتمل است، قضا‌هایی که خلق تابع آن‌ها هستند و آن‌ها مقتدای خلق.<sup>۵</sup>

ب) تعبیر «امام» در بعضی دیگر از آیات قرآن در مورد "تورات" به کار رفته، آن‌جا که می‌فرماید:

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً -  
آیا آن‌کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهی از سوی او می‌باشد، و پیش از آن کتاب موسی که امام و رحمت بود گواهی بر آن می‌دهد  
(همچون کسی است که چنین نباشد).» (هود/۱۷)

اطلاق کلمه "امام" در این آیه بر تورات به خاطر معارف و احکام و دستورات آن است، و همچنین به خاطر نشانه‌های پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در آن آمده، و در تمام این امور می‌توانست رهبر و پیشوای خلق باشد.<sup>۶</sup>

همچنین آیه: « وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ - و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه‌های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد.» (احقاف/۱۲)

"امام" و "رحمت" بودن تورات به این معنا است که: تورات کتابی است که می‌تواند مقتدای بنی‌اسرائیل باشد، و بنی‌اسرائیل باید در اعمال خود از آن پیروی کنند، بدین جهت امام است، و بدین جهت که مایه اصلاح نفوس مردم با ایمان است، رحمت است.<sup>۷</sup>

با همین استدلال؛ پس قرآن نیز امام است.

## ۳- پیشوا

قرآن می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا - (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود!» (اسراء/۷۱)

همچنین می‌فرماید: « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.» (قصص/۵)

امامت (به معنای پیشوا) معانی مختلفی دارد:

**الف - ریاست و زعامت در امور دنیای مردم (آن چنان که اهل تسنن می‌گویند).**

**ب - ریاست در امور دین و دنیا (آن چنان که بعضی دیگر از آن‌ها تفسیر کرده‌اند).**

**ج - تحقق بخشیدن برنامه‌های دینی اعم از حکومت به معنی وسیع کلمه، و اجرای حدود و احکام خدا و اجرای عدالت اجتماعی و همچنین تربیت و پرورش نفوس در "ظاهر" و "باطن" و این مقام از مقام رسالت و نبوت بالاتر است، زیرا "نبوت" و "رسالت" تنها اخبار از سوی خدا و ابلاغ فرمان او و بشارت و انذار است اما در مورد "امامت" همه‌ی این‌ها وجود دارد به اضافه "اجرای احکام" و "تربیت نفوس از نظر ظاهر و باطن" (البته روشن است که بسیاری از پیامبران دارای مقام امامت نیز بوده‌اند).<sup>۸</sup>**

توضیح هر کدام**الف) (پیشوایان ضلالت)**

« وَ إِنْ نَكُثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ - و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آن‌ها پیمانی ندارند شاید (با شدت عمل) دست بردارند.» (توبه/۱۲)

وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ - و آنان [فرعونیان] را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند و روز رستاخیز یاری نخواهند شد.» (قصص/۴۱)

### (ب) (پیشوایان هدایت)

وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ - و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.» (سجده/۲۴)

« وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا - و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.» (فرقان/۷۴)

### (ج) (امام مطلق)

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ - (به خاطر آورد) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم! ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!) خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)» (بقره/۱۲۴)

در حقیقت مقام امامت، مقام تحقق بخشیدن به اهداف مذهب و هدایت به معنی "ایصال به مطلوب" است، نه فقط "ارائه طریق".

علاوه بر این "هدایت تکوینی" را نیز شامل می شود، یعنی تاثیر باطنی و نفوذ روحانی امام و تابش شعاع وجودش در قلب انسان های آماده و هدایت معنوی آن ها. امام از این نظر درست به خورشید می ماند که با اشعه زندگی بخش خود گیاهان را پرورش می دهد، و به موجودات زنده جان و حیات می بخشد.

... شک نیست که مراد از امامت در آیه مورد بحث معنی سوم است، زیرا از آیات متعدد قرآن استفاده می شود که در مفهوم امامت، مفهوم "هدایت" افتاده، چنان که در آیه ۲۴ سوره سجده می خوانیم: "وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ - و از آن ها (بنی اسرائیل) امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند، چون استقامت به خرج دادند و به آیات ما ایمان داشتند".

این هدایت به معنی ارائه طریق نیست، زیرا ابراهیم پیش از این، مقام نبوت و رسالت و هدایت، به معنی ارائه طریق را داشته است. حاصل این که قرائن روشن گواهی می‌دهد که مقام امامت که پس از امتحانات مشکل و پیمودن مراحل یقین و شجاعت و استقامت به ابراهیم بخشیده شد غیر از مقام هدایت به معنی بشارت و ابلاغ و انذار بوده است. پس هدایتی که در مفهوم امامت افتاده چیزی جز "ایصال به مطلوب" و "تحقق بخشیدن روح مذهب" و پیاده کردن برنامه‌های تربیتی در نفوس آماده نیست.

این حقیقت اجمالاً در حدیث پر معنی و جالبی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: "خداوند ابراهیم را بنده خاص خود قرار داد پیش از آن که پیامبرش قرار دهد، و خداوند او را به‌عنوان نبی انتخاب کرد پیش از آن که او را رسول خود سازد، و او را رسول خود انتخاب کرد پیش از آن که او را به‌عنوان خلیل خود برگزیند، و او را خلیل خود قرار داد پیش از آن که او را امام قرار دهد، هنگامی که همه‌ی این مقامات را جمع کرد فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم، این مقام به قدری در نظر ابراهیم بزرگ جلوه کرد که عرض نمود: خداوند از دودمان من نیز امامانی انتخاب کن، فرمود: پیمان من به ستمکاران آن‌ها نمی‌رسد ... یعنی شخص سفیه هرگز امام افراد با تقوا نخواهد شد."<sup>۹</sup>

### دعای بندگان خاص خدا

خداوند یکی از صفات «عبادالرحمن» را دعا برای امامت بر متقین ذکر می‌فرماید.

« وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا - و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان. » (فرقان/۷۴)

«بدون تردید ائمه اهل بیت علیهم‌السلام از روشنترین مصداق‌های آیه می‌باشند، اما این مانع از گسترش مفهوم آیه نخواهد بود که مؤمنان دیگر نیز هر کدام در شعاع‌های مختلف امام و پیشوای دیگران باشند. [به همین دلیل] بعضی از مفسران از این آیه چنین استفاده کرده‌اند که تقاضای ریاست معنوی و روحانی و الهی نه تنها مذموم نیست، بلکه مطلوب و مرغوب نیز می‌باشد.»<sup>۱۰</sup>

(از پیام‌های این آیه این است که) «در دست گرفتن مدیریت جامعه، آرزوی عبادالرحمن

است، زیرا عهده‌دار شدن امامت و رهبری متقین، ارزش است.»<sup>۱۱</sup>

از این آیه معلوم می‌گردد که هر کس رهبری و زعامت متقین را بر عهده داشته باشد

امام است و نوع امامت او از نوع دوم یعنی "پیشوایان هدایت" است.

### فرمایشی از امام خامنه‌ای در معنی «امام»

اقامه‌ی دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه‌ی ادیان است؛ «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱۲</sup> قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است. اصلاً ائمه‌ی ما (علیهم‌الصلاة والسلام) تمام زجر و مصیبتشان به خاطر این بود که دنبال حاکمیت الهی بودند؛ و الا اگر امام صادق و امام باقر (صلوات‌الله‌علیهم) یک گوشه می‌نشستند و چند نفر دور خودشان جمع می‌کردند و فقط یک مسأله‌ی شرعی می‌گفتند، کسی به آن‌ها کاری نداشت. خود امام صادق در یک حدیث می‌فرماید: « هَذَا أَبُو حَنِيفَةَ لَهُ أَصْحَابٌ وَ هَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ لَهُ أَصْحَابٌ »<sup>۱۳</sup> ابوحنیفه اصحاب دارد، حسن بصری اصحاب دارد. پس، چرا به آن‌ها کاری ندارند؟ چون می‌دانند که آن حضرت داعیه‌ی امامت دارد؛ اما آن‌ها داعیه‌ی امامت نداشتند. ابوحنیفه داعیه‌ی امامت نداشت. این علمای معروف اهل سنت - محدثان و فقهایشان - داعیه‌ی امامت نداشتند. این‌ها امام زمان را که هارون، منصور و عبدالملک بود، قبول داشتند.

می‌گویند وقتی سلیمان بن عبدالملک از دنیا رفت، کتب محمد بن شهاب زهری را از خزانه‌ی او بیرون آوردند. امام زمانش سلیمان بن عبدالملک بود؛ برای او کتاب می‌نوشت. امام یعنی چه؟ امام یعنی رئیس دین و دنیا. او رئیس دین و دنیا بود.

... مالک در مدینه به وسیله‌ی استاندار مدینه سر قضیه‌ای کتک خورد؛ بعد خلیفه از او عذرخواهی فراوان کرد و برایش پول فرستاد. بعد از سفر مکه، به مدینه رفت و از او استمالت کرد. بعد با اصحاب ابوحنیفه - که از لحاظ فقهی با مالک مخالف بودند - شروع به بحث کرد و عقاید مالک را اثبات نمود. یعنی چه؟ یعنی مجتهد و فقیه بود؛ رئیس دین و دنیا بود.

این‌ها ادعای امامت نداشتند؛ کسی که ادعای امامت داشت، او همین امام مظلوم و عزیز ما بود؛ امام صادق (علیه‌السلام)، امام باقر (علیه‌السلام)، امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام). آن‌ها این را می‌فهمیدند؛ یعنی واضح بود. البته گاهی در مقابل خلفا تقیه می‌کردند، اما معلوم بود که داعیه‌ی امامت داشتند. شیعیان آنان در همه‌جا تعبیر این معنا را می‌کردند.<sup>۱۴</sup>

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما

خامنه‌ای امام مرجع عالی مقام به لطف خود نگهدار



## مطلب دوم

### پنج کلید واژه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

غربی‌ها با سه کلید واژه‌ی «آزادی، دموکراسی، و حقوق بشر» افکار عمومی را اداره می‌کردند. شرقی‌ها با دو کلیدواژه‌ی «مبارزه‌ی پرولتاریا با امپریالیسم و برابری». امام خمینی رحمت‌الله‌علیه پنج کلیدواژه‌ی قرآنی را در مقابل آن پنج کلید واژه قرار دادند. اصل «امامت‌محوری» مهم‌ترین کلیدواژه بود. سیستم امت - امامت حرف جهان‌شمول اسلامی بود که در عرصه‌ی سیاست احیا شد.

### چرا رسانه‌های غربی نمی‌گویند امام خمینی؟

سال ۱۳۵۹ به یکی از اساتید یهودی آلمان گفتم: «استاد! چرا رسانه‌های شما نمی‌گویند امام خمینی؟».

خنده‌ای کرد و گفت: «آخر ما بعضی چیزها را متوجه شدیم!».

کیفاش را باز کرد و یک کتاب درآورد. ترجمه‌ی آلمانی کتاب "ولایت فقیه" امام رحمت‌الله‌علیه بود. خیلی تعجب کردم گفتم: «کجا این کتاب منتشر شده است.»

گفت: «آلمان شرقی» (که آن وقت جزو بلوک شرق و یک کشور کمونیستی بود).

گفت: «این کتاب را خوانده‌ای»

گفتم: «بله» گفت: «ما هم خوانده‌ایم.»

گفت: «آقای خمینی یک تئوری جهانی دارد. ما الان در صددم یک تئوری جدید در مقابل این تئوری مطرح کنیم. ایشان سیستم امت و امامت را طراحی کرده است. وقتی ما بگوئیم "امام"، ایشان بین کشورهای دنیا شاخص می‌شود. چون کلمه‌ی "امام" قابل ترجمه نیست. ولی وقتی بگوئیم "رهبر"، این کلمه در فرهنگ غرب بار منفی دارد. دیگر ما ایشان را کنار استالین و موسیلینی و هیتلر قرار می‌دهیم. کلمه‌ی "رهبر" به نفع ما و کلمه‌ی "امام" به نفع آقای خمینی است. از طرف دیگر اگر ایشان یک جایگاه دینی دارد، ما به ایشان می‌گوئیم "آیت‌الله"، اما "امام" یک بار معنوی دارد! از طرفی ایشان آن‌طور می‌شود امام امت اسلامی که مسلمان‌های دنیا را حول محور رهبری خودش جمع کند؛ ما که نمی‌گذاریم این اتفاق بیفتد!».

با این صراحت این را به من گفت.

گفت: «ما نمی‌گوئیم، هیچ کجا نمی‌گویند نه شرقی‌ها و نه غربی‌ها.»

یک رسانه‌ی غربی یا شرقی را پیدا نمی‌کنید که گفته باشد «امام خمینی». آن موقع ما امتحان کردیم ببینیم آیا رسانه‌های غربی می‌پذیرند ما یک آگهی بدهیم به نام «امام خمینی»؟ می‌خواستیم شصت هزار مارک بدهیم که یک آگهی چاپ کنند؛ قبول نکردند! گفتند: «آیت‌الله خمینی».

### بر سر یک کلمه‌ی امام!!!

... شهریور ۵۸ که در مجلس خبرگان قانون اساسی شهید بهشتی کلمه‌ی امامت را در قانون اساسی گذاشت، ریاست آن مجلس با آقای منتظری بود. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به وی فرمود: «شما نمی‌توانی مجلس را اداره کنی، برو کنار، آقای بهشتی اداره کند.» وقتی شهید بهشتی آمد اصل پنجم را مطرح کند که: «ولی فقیه نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و امام امت اسلامی است»؛ بازرگان اعلام استعفای دسته‌جمعی دولت را مطرح کرد. آقای امیرانتظام اعلام کرد که مجلس خبرگان قانون اساسی باید منحل شود؛ چون از آن چیزی که ما پیشنهاد دادیم در قانون اساسی بیاید فراتر رفته است؛ باید جلوی این قضیه گرفته شود. سر یک کلمه کشور ریخت به هم! بر سر یک کلمه‌ی امام برای ولی فقیه.

### طرح جایگزین غربی‌ها

این قضایا در سال ۱۳۵۸ اتفاق افتاد. دو سال و نیم بعد از طرح تئوری ولایت فقیه در جایگاه سیستم امت و امامت؛ غربی‌ها آمدند یک طرح جایگزین را مطرح کردند با عنوان «جهانی سازی یا جهانی شدن» (تا با این تئوری مقابله کنند)

### اساس انقلاب ما

«امامت محوری» اولین کلام محوری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بود، بعد «امت‌گرایی»، بعد «عدالت‌گستری» که رابطه امت و امامت را تعریف می‌کند، و بعد از آن هم دوقطبی کردن جهان به نام اکثریت قریب به اتفاق که «مستضعفین» هستند و اقلیت گردن‌کش که «مستکبرین» هستند.

این پنج کلمه قرآنی که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه گفتمان خود را با آن‌ها شکل داده بود اساس نهضت بود و اساس انقلاب ما.

## دو جمله در مخالفت با امام خمینی رحمت‌الله‌علیه !!!

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه از دنیا رفتند. آقای (ا.ه.ر) آمدند پنج روز بعد از رحلت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در دومین خطبه‌ی اولین نماز جمعه‌ی بعد از رحلت ایشان - یعنی در ۱۹ خرداد ۱۳۶۸ - راجع به ولایت فقیه دو جمله گفت.

### جمله اول:

«ما نمی‌خواهیم بعد از رحلت امام خمینی به جانشین ایشان "امام" بگوییم».

عجب!!! آقا! ما این همه دعوا داشتیم، این همه مشکلات داشتیم با شرق و غرب عالم بر سر همین یک کلمه؛ ... انگلیسی‌ها گفته بودند ما اجازه نمی‌دهیم بعد از [امام] خمینی موضوع امامت ولی فقیه دنبال شود. قانون اساسی که چندبار روی امامت ولی فقیه تأکید کرده، حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه این را از سال ۱۳۴۸ مطرح فرموده بودند، شما می‌گویید ما نمی‌خواهیم؟! به اسم عزت و عظمت و اعزاز و اکرام امام خمینی رحمت‌الله‌علیه گفتند نمی‌خواهیم به جانشین‌اش بگوییم امام! مانند این که یکی به شما بگوید من طرفدار شما هستم و شما را دوست دارم و چون خیلی شما را دوست دارم، افکار شما را می‌خواهم با شما دفن کنم!

### جمله‌ی دوم

«مجلس خبرگان مرجع تقلید تعیین نکرده است».

یعنی جانشین امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نه امام است و نه مرجع. با این دو جمله دو بال امامت و مرجعیت ولی فقیه را [خدشه وارد کرد].

... وقتی ایشان جای «امام» گذاشت «رهبر»، «امت» شد «ملت». یعنی عملاً سیستم ملت - دولت یا ملت - رهبر انگلیسی‌ها را پذیرفتیم و سیستم امت - امامت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه را کنار گذاشتیم. وقتی «امت» شد «ملت»، عناصر امت که (طبق فرمایش قرآن) «خواهر و برادرند» [و] وظایفی مثل امر به معروف و نهی از منکر نسبت به هم دارند و غیره و غیره، تبدیل شدند به عناصر «ملت» یعنی «شهروند» یعنی «هموطن»؛ «همشهری». یعنی دیگر کسی با کسی کاری نداشته باشد. یعنی بی‌غیرتی جای امر به معروف و نهی از منکر را بگیرد.<sup>۱۵</sup>

قرآن می‌فرماید:

« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ -  
مؤمنان برادر یکدیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید،  
باشد که مشمول رحمت او شوید.» (حجرات/۱۰)

« وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ  
الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ -  
مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند  
نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند بزودی خدا  
آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است! (توبه/۷۱)

### مقابله با دیگر گفتمان‌های امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

... اما کلمه‌ی سوم یعنی «عدالت»؛ همان فرد (ا.ه.ر) کلمه‌ی «توسعه» را ابداع و به نظام  
اسلامی تحمیل کرد. فرق عدالت و توسعه این بود که «عدالت» را خدا و پیغمبر  
صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی مرتضی علیه‌السلام تعریف می‌کنند، اما «توسعه» را صندوق  
بین‌المللی پول و بانک جهانی و صهیونیست‌های عالم.

... در عرصه‌ی بین‌الملل هم دو کلیدواژه‌ی قرآنی «مستکبرین» و «مستضعفین» را ایشان  
(ا.ه.ر) اصلاح کردند و گفتند «مستکبرین» فحش و توهین‌آمیز است! به جایش بگوییم  
«قدرت‌های جهانی»! وقتی گفتی «مستکبرین» باید با آن‌ها «مبارزه» کنی، اما وقتی گفتی  
«قدرت‌های جهانی» باید با آن‌ها «تعامل» کنی.

... «مستضعفین» را هم گفتند «قشر آسیب‌پذیر»؛ یعنی آدم‌های بی‌عرضه‌ای که خودشان  
پذیرای آسیب‌اند!

... پنج کلیدواژه‌ی قرآنی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه که اساس گفتمان نهضت اسلامی  
بود، توسط ایشان تغییر پیدا کرد به همان کلیدواژه‌هایی که دشمنان می‌خواستند.

### وظیف ما

برادران و خواهران ما می‌توانیم تمام فعالیت‌های خودمان را شکل بدهیم، تمام حرف‌های  
خوب را بزنیم، جان‌فشانی بنماییم، دغدغه داشته باشیم، تلاش کنیم؛ اما تا زمانی که  
کلیدواژه‌های قرآنی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه - که رأس آن‌ها امامت ولی فقیه بود - را  
احیاء نکنیم، حرفی برای گفتن نداریم.

## ما شروع کنیم

... امروز رسماً اهل فتنه را لعن می‌کنند، این لعن آن قدر که بگوئید «امام خامنه‌ای» جگر دشمنان را نمی‌سوزاند... [متاسفانه] همه می‌گویند «دیگران بگویند ما هم می‌گوئیم!».

اصول‌گراها می‌گویند صداوسیما شروع کند، ما هم می‌گوئیم!

صداوسیما می‌گوید ما که از روحانیون نمی‌توانیم جلو بیفتیم!

روحانیون می‌گویند تا مدیران ارشد نظام خودشان نگویند که ما نمی‌توانیم جلوی مردم بگوئیم!

مدیران ارشد می‌گویند وقتی جوانان انقلابی هم نمی‌گویند، ما بگوئیم و هزینه بدهیم؟! و...

... بعضی هم می‌گویند نگوئیم چون قبلاً کسی (حشمت‌الله طبرزدی) این کار را کرده و

این کار در ذهن مردم سابقه‌ی خوبی ندارد! خب خوب‌ها باید پرچمدار این کار شوند که

این کار به اسم آن‌ها ثبت و آن سابقه پاک شود.

امروز ما میلیون‌ها مسلمان در سراسر دنیا داریم که تابع «امام خامنه‌ای» هستند... آیت‌الله

سید محمدباقر حکیم از نجف نامه می‌نویسد به «حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای». یک

هفته بعد شهیدش می‌کنند به خاطر همین یک کلمه. آن مرد بزرگ می‌داند که باید از آن‌جا

پیغام دهد «امام خامنه‌ای».

سیدحسن نصرالله متوجه است در سخت‌ترین شرایطی که دارد، باید بگوید: «امام خامنه‌ای!»

... امام خامنه‌ای امت خود را دارد؛ اگر ما امت امام خامنه‌ای باشیم خودمان را نجات داده‌ایم.

نعمت خدا را پاسداری کرده‌ایم؛ اگر قدر نشناسیم، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ».<sup>۱۶</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۱۹ - همان
- ۲- همان
- ۳- تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۲
- ۴- ابن عباس از امیر المؤمنین علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: به خدا سوگند منم امام مبین، که ما بین حق و باطل جدایی می‌اندازم، و این را از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارث برده‌ام. و در کتاب معانی‌الاجبار به سند خود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت آورده که در ضمن حدیثی درباره علی علیه‌السلام فرمود: او امامی است که: خدای تعالی علم هر چیزی را در او احصاء کرده است. (ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۱۰۱)
- ۵- ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۹۷
- ۶- تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۲
- ۷- تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۹۹
- ۸- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۳۷
- ۹- تفسیر نمونه، ج ۱، خلاصه‌ای از ص ۴۳۸ تا ۴۴۰
- ۱۰- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۹
- ۱۱- تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۸۶ - ۱۲- حدید/۲۵
- ۱۳- الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۲۳
- ۱۴- فرمایشات معظم‌له در جمع علما و روحانیون استان لرستان؛ ۱۳۷۰/۵/۳۰
- ۱۵- رجوع کنید به مقاله «امام حسین مصلح غیور» که در همین نشریه منتشر شده است.
- ۱۶- وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ - و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (ابراهیم/۷)